



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی

و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه

پنجم توسعه

دفتر حسینیّه اندیشه

زمستان ۱۳۸۷

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

بحث ما درباره درک از اسلامیت + است؛ مقام معظم رهبری ضرورت الگوی توسعه ایرانی، اسلامی را مطرح کرده‌اند و این قید اسلامی پررنگ‌تر شده است و رئیس‌جمهور و هیئت دولت با شعارهای ارزشی که دادند و به دنبال تحقق عدالت هستند، مدل اسلامی را پیگیری می‌کنند.

کلمه اسلامیت به حوزه برمی‌گردد. سه ارتکاز جدی در این رابطه وجود دارد که در این مقال نمی‌خواهیم آنها را نقد کنیم و فقط آن را ذکر می‌کنیم:

۱- قائل باشیم آن چیزی که منسوب به مسلمانان است، اسلامی است؛ مثل فلسفه اسلامی یا بعضی مقولات دیگر؛ به این دلیل که بعضی از مسلمانان این علوم را تولید کرده‌اند.

۲- به آن تمدن، معماری، زیبایی‌شناسی و شهرسازی و نقاشی و... که مربوط به قبل از رنسانس است، اسلامی گفته شود. به نظر می‌آید شهید مطهری (ره) در کتاب خدمات متقابل ایران و اسلامی چنین چیزی را مدنظر داشته‌اند.

۳- اسلامیتی است که منطق تکاملی بیانگر آن است. یعنی همان چیزی که حضرت امام (ره) فرمودند و شیوه خلف صالح است و فقه سنتی بیان کرده است. البته خلاصه آن، این است: فقه‌های عظیم‌الشان شیعه از بعد غیبت تا بحال با راه‌های انحرافی که امور را به دین نسبت می‌دادند، مقابله کردند؛ مثل روش قیاس، استحسان، استصلاح، تأویل. لذا صف‌بندی علمی و متدولوژیک بین شیعه و سنی که ایجاد شده است، همین مهم است. پس همان‌طور که فقه‌های ما در رابطه با فقه، عمل مکلف را با روش علم اصول تمام می‌کردند و حجت ظاهری آن را نیز به گردن گرفته‌اند، ما نیز می‌خواهیم همان روش را انجام دهیم اما نه در موضوع فرد، بلکه در موضوع رفتار یک نظام. پس این تعریف ما از اسلام شد. البته این‌که این تعریف درست یا غلط است فعلاً موضوع بحث نیست.

اما در رابطه با سیاست‌های کلان که تنظیم کردیم ابتدائاً باید گفت: قبل از انقلاب، حکومت شاه غیر از مفاسدی که داشت نتوانست تولید را قطب توسعه قرار دهد بلکه توزیع را قطب توسعه قرار داد. در واقع نحوه مدیریت در بخش اقتصاد دو شاخصه داشته است:

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

- ۱- نتوانستند تولید را قطب توسعه قرار دهند و هر چه که آوردند به صورت مونتاژی آوردند.
- ۲- مصرف انبوه را یکبار به مذاق مردم چشاندند و آنها را عادت دادند. یعنی براساس نظام سرمایه‌داری جهش در مصرف انبوه درکلان شهرها صورت گرفت. بعد از انقلاب ساختارهای نظام سرمایه‌داری که فاصله طبقاتی ایجاد می‌کرد، شکسته شد. از این طرف بنا بر مبنای اسلام که حضرت امام (ره) فرمودند: همه مردم در مصرف کردن، آزادی‌های فردی و همه چیز برابرند. علاوه بر آن معتقد بودند الگوی مصرف رهبران باید از متوسط مردم پایین‌تر باشد. [پس] معنی عدالت را برابری و تساوی لحاظ کرده‌اند و شعار آن را داده‌اند و به مسئولین نظام دستور داده‌اند که این را عمل کنند و به مردم رسیدگی نمایند و فاصله‌ای که بین طبقات مختلف بوجود آمده را کم کنند و خدمتگزاری به محرومین و مستضعفین را شعار خودشان قرار دهند و همه نظام را به این سمت برده‌اند و به این [دستور] نیز عمل شده است. یعنی در دوره جناب آقای میرحسین موسوی برای بسیاری از نقاط کشور جاده کشیده شده و برق و آب و مواد و مدنیت و سواد و مخابرات برده‌اند. هر چه که نیاز مادی همه احساس شده است [به همه جا برده شده و] همه وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلابی دست به کار شدند. علاوه بر این زمین، تیرآهن، کاشی، سیمان و... به صورت رایگان یا تعاونی به مردم داده شد و به طور کلّی؛ دلار ۶۰ تومانی (دولتی) به عموم مردم خدمات دادند اما الگوی مصرف، همان الگوی نظام سرمایه‌داری یا نظام شرقی بود (فرقی نمی‌کند چون مربوط به تمدن موجود است) و هیچ تغییری در این داده نشد، بلکه این [الگوی مصرف] تعمیم داده شد. مثلاً روی دفترچه‌های ازدواج، یخچال و کولر و فرش و... داده شد. پس گستاخی انقلابی مردم در الگوی مصرف غربی آورده شد و لذا همه انتظارات بالا رفت؛ اما از آنجایی که مکانیزم عرضه و تقاضا در نظام سرمایه‌داری، بوسیله فاصله طبقاتی عمل می‌کرده است، در اینجا مکانیزم عرضه و تقاضا در شکستن فاصله طبقاتی عمل می‌کند. لذا انتظارات اجتماعی بالا می‌رود و مکانیزم عرضه و تقاضا درست عمل نمی‌کند. لذا نظام قیمت‌ها از مکانیزم عرضه و تقاضا تبعیت نمی‌کند. [بلکه] می‌خواهد از انتظارات اجتماعی تبعیت کند و به همین دلیل شکل دیگری پیدا می‌کند. این در دوره آقای میرحسین موسوی بود.

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

در دوره آقای هاشمی رفسنجانی می‌خواستند قضیه را برگردانند [تا این مکانیزم درست عمل کند]؛ یعنی [به] نظام مدیریت سرمایه‌داری که فاصله طبقاتی در الگوی مصرف [را تجویز می‌کرد؛ عمل کنند.] مثلاً اگر کسی مدیر است باید میزانی بالاتر از حقوق را داشته باشد. در زمان آقای رجایی، حقوق وزراء و وکلاء از ۷۰ هزار تومان آن روز، به ۷ هزار تومان تقلیل داده شد و یک دهم شد و در دوره آقای هاشمی می‌خواستند این را برگردانند تا ده برابر آن موقع بشود تا در نظام سرمایه‌داری، «نظام فرمانبری و فرماندهی» جریان پیدا کند و نظام تولید گردش پیدا کند و اشتغال بیاورد و اشتغال، نان مردم را تأمین کند.

اما عملاً این امر واقع نشد، چون مردم مقابله کردند و مقاومت نمودند و فاصله طبقاتی را شکسته بودند زیرا دیگر نمی‌خواستند زیر بار آن الگوی مصرف بروند. لذا هدف‌گذاری‌هایی هم که آقای هاشمی کردند محقق نشد و سیستم بازار آزاد و شناور کردن نرخ ارز و... همگی با شکست مواجه شد. یعنی با مقابله‌هایی که مردم کردند، مجبور شدند اوضاع را برگردانند. البته در دوره آقای خاتمی هم به همین نحو بود. حال در دوره آقای احمدی‌نژاد به «تعمیم آبادانی با رویکرد مستضعف‌گرایی» عمل می‌شود، اما در همان سیستم و نظام و با همان نظام بانکداری و با همان شاخصه‌ها است. اثر این مطلب در اقتصاد چه می‌شود؟

یعنی در آنجایی که چهار بازار مطرح است. البته این بحث جامعه‌شناسی اقتصاد است. ابتدائاً باید گفت: نظام سرمایه‌داری و اقتصاد سرمایه‌داری، یعنی سود سرمایه است که نرخ کار را تعیین می‌کند و این امر، نرخ ابزار را معین می‌کند و آن نیز نرخ کالا را تعیین می‌کند. یعنی سود سرمایه حرف اول را می‌زند. حال می‌خواهیم بررسی کنیم این اتفاق جامعه‌شناسانه که رخ می‌دهد و گستاخی انقلابی در الگوی مصرف می‌آید، چه اثری در این چهار بازار دارد؟

حاج آقای حسینی (ره) می‌فرمایند که نرخ کار، (یعنی متغیر کار) به متغیر اصلی (سرمایه) تنه می‌زند و از متغیر سرمایه تبعیت نمی‌کند. توضیح آنکه، برای راه‌اندازی یک پروژه همه وجوه آن را محاسبه می‌کنند (مانند استهلاک، دانش فنی، زمان نهاده‌ینه شدن آن، نرخ کار و نرخ سود) و بعد می‌گویند چقدر درآمد دارد؛ یعنی سرمایه‌گذاری که صورت می‌گیرد (چه خود سرمایه‌گذار و یا بانک سرمایه‌گذاری می‌کند) بررسی

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

می‌کند چقدر سود دارد؟ آیا پول وام‌ها را می‌تواند بدهد؟ سود سهام‌دارها را می‌تواند بدهد؟ [و بالاخره]
صرفه دارد یا ندارد؟ این کاری است که انجام می‌دهند.

در ایران بدلیل آن جامعه‌شناسی که بیان شد، نرخ کار از نرخ سرمایه تبعیت نمی‌کند. همه ملّت (و نه تعداد محدودی که در کارخانه کار می‌کنند) و همه کسانی که نرخ کارشان آزاد است و کارمند نیستند و ریش و قیچی‌شان به دست دستگاهی نیست و آزادند؛ نرخ دستمزد خودشان را بالا می‌برند و این بالاتفاق و انقلابی صورت می‌گیرد. یعنی فرهنگ انقلاب است که چنین کاری می‌کند. از این رو مشاغل آزاد اگر یک سوم جامعه هم باشند ضربه خودش را به اقتصاد می‌زند.

در اقتصاد نرخ کار در چهار بازار باید از نرخ سود سرمایه تبعیت کند که در نظام سرمایه‌داری این گونه است و در این اگر در جایی چالش پیدا کند این را به دو شکل کنترل می‌کند؛

۱- یا به وسیله اتحادیه‌هاست. یعنی از منطق گفتگو استفاده می‌کنند و آنها را قانع می‌کنند.

۲- یا بوسیله تعاونی‌ها؛ می‌گویند اگر نمی‌توانید کار کنید محیطی دیگر فراهم کرده‌ایم و تا بار نرخ کار و سودآوری آن به عهده خودتان باشد و به دوش سیستم نیفتد که حاج آقای حسینی به این سویاپ اطمینان می‌گفتند.

ولی اگر در یک جامعه‌ای یک سوم یا یک چهارم آن [خارج از سیستم باشند، هرج و مرج می‌شود] ما اصل قضیه را می‌گوییم. یعنی در یک کشور انقلابی، افراد انقلابی هستند. نه فقط در این بحث بلکه در بحث قضا هم وقتی می‌خواهیم حجم پرونده‌های قضایی را تحلیل کنیم، می‌گوییم: در خیلی از کشورهای دنیا محیط‌هایی است که با آن افراد را می‌ترسانند تا دست به چک نشوند یا اصلاً حساب باز نمی‌کنند تا دسته چک داشته باشند. یا در مورد راهنمایی و رانندگی محیط رعبی درست کرده‌اند تا مردم می‌ترسند اگر فلان تخلف را انجام دهند، ماشین خود را از دست می‌دهند و هزینه زندگی‌شان با مشکل مواجه می‌شود.

ولی ایران، چون مردم انقلاب کرده‌اند و روبروی یک نظام ایستادگی کردند و جان خود را فدا کرده‌اند، با چنین مسائلی نمی‌ترسند. لذا حجم زیادی از مردم بدون ترس و واهمه در بازار و مسائل مالی خیلی راحت از دسته چک استفاده می‌کنند و عواقب آن را هم با جان و دل می‌پذیرند. این روحیه، یک روحیه باز است و

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

در هر محیطی هر کاری که دلش بخواهد انجام می‌دهد. یکی از کارهایی هم که می‌کند این است که همگی با هم (تعمیرکار و راننده تاکسی و نانوا و...) دستمزدها را بالا می‌برند و لذا نرخ کار در سیستم سرمایه‌داری تعیین نمی‌شود و از قانون و قواعدی که در چهار بازار است تبعیت نمی‌کند و در این صورت سیستم دارای دو متغیر می‌شود و عملاً به چالش کشیده می‌شود؛ گاه نرخ کار می‌خواهد این مجموعه را به جلو حرکت دهد و گاه سود سرمایه است که می‌خواهد مجموعه را جلو ببرد. اثر این [روند] جهش قیمت‌ها می‌شود و مکانیزم عرضه و تقاضا به هم می‌خورد.

به نظر می‌رسد با این وضعیت، یک ملت هر چه تولید می‌کند به مصرف می‌رساند و هیچ پس‌اندازی ندارد و سرمایه‌گذاری بوسیله یک ملت واقع نمی‌شود.

اما در کشورهای غربی، مشاغل آزاد را هم سازماندهی می‌کنند؛ البته در اینجا هم می‌خواستند چنین کاری بکنند. مثلاً با اتحادیه‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای قصد چنین کاری را داشتند ولی مردم زیر بار نرفتند، به طور نمونه [در کشور ما این] اخلاق حاکم است که مردم حاضرند از فروشگاه سرکوپه‌شان خریداری کنند ولی به مغازه‌ای که ارزان‌تر می‌فروشد نروند؛ چون مسائل اخلاقی (مثلاً همسایه و یا هم مسجدی و هم هیئتی هستند) مطرح می‌شود. پس اخلاق در نرخ قیمت اثر می‌گذارد و لذا نتوانستند فروشگاه‌های زنجیره‌ای درست کنند چون در این گونه فروشگاه‌ها فقط محاسبه و نرخ‌گذاری قاعده‌مند [لحاظ شده است]. آقای هاشمی رفسنجانی می‌خواست چنین کاری بکند لکن این کار فقط در کلان‌شهرها و آن هم فقط در بالای شهر جواب می‌داد و به همین دلیل این فروشگاه‌ها به سود نرسیده و این طرح به شکست انجامید. زیرا کشور انقلابی فاصله طبقاتی را شکسته است و زیر بار نمی‌رود و [مشاغل آزاد] نرخ دستمزد در یک سال را در چند نوبت (اول مهر، اول فروردین، اول رمضان یا هنگام تغییر نرخ بنزین) بالا می‌برند و لذا انتظارات خودش را از هر راهی که شده، تحمیل می‌کند.

زیرا شعار عدالت امام (ره) است که: همه با هم انقلاب کردیم و باید همه به یک نوع زندگی کنیم و یک چیز بخوریم اما چنین چیزی در دستگاه سرمایه‌داری وجود ندارد.

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

از طرف دیگر وقتی بلوک شرق ایجاد شد و نصف دنیا را با یک فلسفه و مرام به خود جذب کرد، به دلیل وجود همین فاصله طبقاتی بود. می‌گفت: اینها ظلم می‌کنند و من برای شما عدالت را به ارمغان آورده‌ام و به همه عدالت و تساوی می‌دهم. این باعث شد نصف جمعیت جهان را به طرف خود بکشد. البته اینکه نتوانست به شعار خود عمل کند و آن را پیاده کند بحث دیگری است. این شعار مقابل یک نظامی است که بی‌عدالتی آن گوش فلک را پر کرده است! و دلیل این روند را هم به این تمام می‌کند که: "شأن تو این است و در سطح خود، باید این مقدار مصرف کنی." این را قاعده‌مند کرده و به پذیرش رسانده است و همه هم قبول کردند و به همین دلیل در حال گردش است.

حال می‌خواهیم ربط این وضعیت اقتصادی کشور را به سند چشم‌انداز ملاحظه کنیم؛ با توجه به فرموده مقام معظم رهبری که می‌خواهیم در ۲۰ سال آینده به جایگاه اول اقتصادی در منطقه برسیم، می‌گوییم اگر وضع این است که همه تولیدات را مصرف کنیم، کشور به جایگاه اول اقتصادی نمی‌رسد. پس چکار کنیم؟ می‌گوییم باید چهار هدف برای سند چشم‌انداز گذاشته شود که بتوانیم از این چالش خارج شویم. یک راه حل این است که امروز اقتصاددانان می‌گویند: تولید را قطب توسعه قرار بدهیم. در جواب آنها می‌گوییم ۳۰ سال این مطلب گفته‌اید و تحقق پیدا نکرده است. گفتید علت تورم نقدینگی یا اشتغال است و هر دفعه یک محور را ضعیف یا غلیظ کرده‌اید و هیچ کدام از آنها به نتیجه نرسیده است. برای این ملت، قوانین و قواعد سرمایه‌داری جواب نمی‌دهد. پیشنهاد ما این است که برای لایحه برنامه پنجم، باید مهندسی جدیدی صورت بگیرد تا امنیت اقتصادی محقق شده و جلوی جهش‌های قیمت‌ها گرفته شود. کسی که علت را شناسایی کرده، باید بتواند راه حل برای آن ارائه دهد. تا وقتی علت شناسایی نشود، راه حل‌ها صوری و روبنایی خواهد بود. پس هدف اول؛ جلوگیری از جهش‌های قیمت‌ها است. سپس در برنامه پنجم بعدی (برنامه ششم توسعه) باید الگوی مصرف با رویکرد به نظام خانواده شکسته شود. در برنامه هفتم توسعه، تکنولوژی (که در برنامه قبل از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط تغییر داده شد) را بومی کنیم و در نهایت برنامه هشتم توسعه، «تولید انبوه ثروت با پرورش منابع نیروی انسانی» مطرح گردد. بنابراین اهدافی را مطرح کردیم تا به جایگاه اول اقتصادی برسیم.

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلّی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینیّه اندیشه

پس در برنامه پنجم توسعه به جای اینکه به تولید (که قطب توسعه است) برسیم، می‌خواهیم توزیع را که بیمار شده است کنترل کنیم. برای کنترل توزیع از درون شروع نمی‌کنیم بلکه از بیرون شروع کرده، یعنی آن چیزی را که از بیرون به توزیع فشار می‌آورد «بافت صادرات و واردات» است، لذا آن را کنترل می‌کنیم. یعنی فشار تمدن را از طریق واردات «کالا، فناوری، صنعت و نیروی انسانی» کنترل کنیم. به عبارت دیگر وارد کردن سه چیز یعنی «کالا، علم و فناوری، نیروی انسانی (دانشمندان)» باید کنترل شود. برای این کار باید بافت صادرات و واردات را براساس «کنترل قیمت‌ها در داخل کشور» تنظیم کنیم و همچنین [رویکرد] صادرات را از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط تغییر دهیم.

صادرات Hi تکنولوژی دارای درآمد زیادی است. مثلاً فرض کنید در داخل کامپیوتری تولید می‌کنید که هر کدام از آن پنجاه هزار تومان تمام می‌شود که وقتی صادر می‌کنید پانصد هزار تومان از شما خریداری می‌کنند.

البته در سیاست‌های برنامه پنجم توسعه نیز ذکر شده است که به سمت صنعت Hi تکنولوژی برویم.

این سیاست هم در مبانی نظری چهارم توسعه و هم در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و هم در سیاست‌های دولت موجود است که باید به آن سمت حرکت کنیم. علت پولدار شدن سنگاپور، کره جنوبی و ... که توسعه یافته‌اند نیز همین مطلب است، چون سودآوری [صادرات آنها] بالاست. البته ما عکس این مطلب را می‌گوییم؛ اگر ما به دنبال آنها برویم دقیقاً یعنی انقلاب را تحویل دهیم. لذا تکنولوژی باید تکنولوژی متوسطی باشد که در این صورت در نقشه جامع علمی کشور باید مشخص گردد که ما رفتن به سمت تمدن رفاه محور را هم نمی‌خواهیم. البته علوم پیچیده آنها را می‌خواهیم اما مخالف این هستیم که کاربرد آن را در زندگی مردم بیاوریم. پس نقشه جامع علمی کشور هم تغییر پیدا می‌کند.^۱

^۱ حجه الاسلام زیبایی‌نژاد: شما همه آن علوم را می‌خواهید، اما نمی‌خواهیم در سطح عموم ارائه شود (بازاری شود) پس این را باید با چه پولی خریداری کرد؟ یعنی تا یک علمی سودآور نباشد انسان طرف آن نمی‌رود. یعنی غیر از اینکه صنعت Hi تکنولوژی علم است، می‌خواهیم در بازار هم تولید ثروت کنیم پس با چه پولی این را خریداری کنیم؟

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی و رابطه آن با سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه دفتر حسینیّه اندیشه

حجّه الاسلام و المسلمین صدوق: فقط صدور کامپیوتر نیست که سود آور است بلکه دانشمند، فوتبالیست و... همه سود آور است. ما اصلاً این گونه از وارد کردن ارز به کشور را نمی‌خواهیم بلکه قصد داریم شرافتمندانه اقتصاد مستقلی را مهندسی کرده و روی پای خود بایستیم. الآن در این لایحه برنامه پنجم و ششم می‌خواهیم از زیر بار ذلت آنها خارج شویم و چیزی نداریم. می‌گوییم مرد هستیم و می‌خواهیم زیر بار شما نباشیم و آن چیزی که داریم معلوم نیست. اینکه چه چیزی داریم و به کدام سمت می‌رویم، آن بحث مدلی است که حاج آقای حسینی (ره) مطرح کردند: براساس پرسش خدای متعال، تمدن اسلامی را مهندسی می‌کنیم که وقت دیگری را می‌طلبد. یک جمله آقای داودی گفتند که اگر شما جلوی Hi تکنولوژی را بگیرید از کاروان تمدن عقب می‌افتید. در جواب گفتیم حرف شما درست است به شرطی که مدل اسلامی و مدل اخلاق محور نداشته باشید که در آن چگونگی تولید تکنولوژی ترسیم شده باشد. اگر تکامل را به آن تعریف کنید پس ما کشور عقب مانده نخواهیم بود ولی اگر تعریف نکنید حرف شما درست است و از مدیریت تحول عقب می‌افتیم و همیشه هم عقب مانده خواهیم بود.

حجه الاسلام زیبایی‌نژاد: در یکی از بندهای سیاست‌های ابلاغی آمده است: «تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد گردد».

ج: یعنی مثل ژاپن شویم که هیچی (از جمله نفت) ندارد، اما می‌گوید باید اقتصاد برتر شوم که این به جز از طریق صنعت Hi تکنولوژی نمی‌شود. اصلاً این قانون قضیه است؛

حجه الاسلام کشوری: شما وقتی الگوی پیشرفت و عدالت را هم که قرار می‌دهید...

ج: مقدمه‌ای که مقام معظم رهبری می‌فرمایند شاه کلید قضیه است یعنی باید بفهمید که محور اصلی این سیاستها در مقدمه آمده است: «اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» یعنی اقتضائات عدالت در این سیاستها نیست و این هم به آن معنا نیست که هیچی نفهمیدیم و نیاوردیم بلکه بندهایی درباره عدالت قرار داده‌اند. این معنای اضطرار علمی می‌دهد؛ یعنی وظیفه امروز ما این است و این را عمل می‌کنیم و نمی‌توانیم نظام را متوقف کنیم.

حجه الاسلام حیدری: اولین بار است که این را می‌گویند و قبلاً معنای اضطرار را نمی‌گفتند.

ج: در سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه رهبری چنین حرفی نزده است. (دوره آقای خاتمی) و این نشان می‌دهد که نظام به سمت جلو حرکت می‌کند یعنی ظرفیت‌سازی می‌کند.

خلاصه تحلیل ناهنجاریهای اقتصادی
و رابطه آن با سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه
دفتر حسینییه اندیشه

در بحث ایجاد امنیت اقتصادی باید ابتدا بافت صادرات و واردات تغییر دهیم تا توان ارزی را کنترل کنیم و براساس آن توزیع کنترل شود. اما راه اندازی تولید براساس تکنولوژی متوسط خواهد برد و نه Hi تکنولوژی. بر این اساس، نقشه جامع علمی کشور را تغییر می دهیم و براساس آن استانداردها را در رسانه-ها تغییر داده می شود تا دائماً استانداردهای Hi تکنولوژی را بر مردم تحمیل نکنند. بقیه بخش ها هم که در سیاست های کلان ذکر شد. پس باید ارتباط خود را با تجارت جهانی و WTO قطع کنید و به صورت مستقل [کار کنید] تا کنترل قیمت ها در داخل انجام شود.

بنابراین بافت صادرات و واردات برای کنترل قیمت ها در داخل و امنیت اقتصادی مردم، تغییر می کند اما نه [برای] امنیت دادن به سرمایه داران خارج از کشور. این طور نیست که ما همه چیزمان را عوض کنیم تا آنها تشریف بیاورند!! بعد از این، تغییر استراتژی صنعت مطرح می شود و سپس تغییر نقشه جامع علمی کشور ذکر می شود و در مرحله بعدی تغییر رسانه ها و افکار عمومی مطرح می شود.